گزارش

رئیس مرکز آمار بدون اعلام آمار:

رشد اقتصادی بهار مثبت است

● **شرق:** دیروز روز آمار و برنامه‌ریزی بود و به همین مناسبت مراسمی با حضور معاون اول رئیس‌جمهور و رئیس مرکز آمار برگزار شد.

عادل آذر، رئیس مرکز آمار ایران در این مراسم گفت: استانداردها می‌گوید رشد اقتصادی، یک فصل بعد باید به مقامات برسد و در همین راستا نرخ رشد اقتصادی فصل بهار، آخر مرداد به مسئولان ارائه شد. او بدون اینکه عددی برای نرخ رشد اقتصادی اعلام کند، افزود: نرخ رشد اقتصادی بهار ۹۴ مثبت است. آذر از نرخ رشد اقتصادی شش‌ماهه نخست سال جاری هم گفت که در پایان آبان اعلام خواهد شد. البته او در ادامه افزود: قرار است از این پس نرخ رشد هر شش ماه یک بار اعلام شود.

وی ادامه داد: اعلام نرخ رشد در ایران تاکنون به شکل سالانه بود اما بر اساس تکلیفی که از سوی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی به مرکز آمار واگذار شد، قرار شده است این نرخ از این پس شش‌ماهه تعیین و اعلام شود. وی تأکید کرد: ما وقتی از آمار سخن می‌گوییم به معنای راستگویی بر پایه آمار است نه آمارسازی. مبنای دولت یازدهم هم توصیف وضعیت گذشته، حال و آینده کشور بر اساس واقعیات آماری است که بر اساس چارچوب‌های علمی تولید می‌شود. هدف این دولت این است که جامعه بداند ما در چه وضعیتی هستیم و چگونه با مشارکت عموم شهروندان می‌خواهیم بر مشکلات غلبه کنیم. معاون اول رئیس‌جمهور هم در این مراسم با اشاره به این جمله رهبری در چند سال قبل مبنی بر اینکه آمارهای رسمی کشور نباید موردخدشه قرار گیرد، افزود: سازمانی که تولیدکننده آمار است باید دارای سه مشخصه تشخیص درست نیازهای آماری، تولید بهنگام آمارها و کیفیت داده‌های حاصل باشد. در فقدان چنین شاخص‌هایی، تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی به سوی حدس و گمان پیش می‌رود و نتیجه چنین تصمیم‌گیری‌ای هم تابعی از شانس و اقبال است. البته آثار این نوع تصمیم‌گیری می‌تواند ده‌ها سال باقی بماند و حتی کشور را به سمت بحران بکشاند. معاون اول رئیس‌جمهور در ادامه با بیان اینکه آمارهایی شاخص ما هستند که از چارچوب‌های دانش و تخصص بیرون آمده باشند، اظهار کرد: ما در آمارگیری باید به تغییرات جامعه و همچنین تحولات جهانی توجه کرده و شاخص‌های مناسب را متناسب با این تحولات تعریف کنیم. اکنون جوانان ما با جوانان ۱۰ سال پیش تفاوت جدی دارند و نیازهای آنها جدید و آسیب‌پذیری آنها هم جدید شده است؛ بنابراین به این مسائل باید توجه کنیم. همچنین موضوعات جدید مثل اقتصاد مقاومتی هم مطرح شده و باید مشخص شود که بر اساس چه شاخص‌هایی باید نحوه اجرای اقتصاد مقاومتی را ارزیابی کرد. به گفته وی، در سال‌های قبل نظرسنجی از مردم درباره مسائل کشور متوقف شده بود، اما در دولت یازدهم وزارت فرهنگ مجددا این نظرسنجی را آغاز کرده و نتایج آن را در اختیار تصمیم‌سازان قرار می‌دهد. جهانگیری همچنین خاطرنشان کرد: آمار وسیله‌ای برای برنامه‌ریزی برای حل چالش‌های کشور ازجمله چالش‌های محیط‌زیست، آب، خشک‌سالی، بی‌کاری، ایران‌هراسی، ناامنی در منطقه و مسائل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. ما باید از منابع مادی و معنوی خود به‌درستی استفاده کرده و از اتلاف سرمایه‌های اجتماعی و مادی جلوگیری کنیم. ما باید به این نتیجه برسیم که بر اساس قانون و به‌دور از مداخلات سلیقه‌ای عمل کنیم زیرا کشوری به سعادت می‌رسد که قانونمند باشد و در چارچوب‌های علمی حرکت کند. وی گفت: از نظر ما مرکز آمار، مرجع اعلام آمار کشور بوده البته دستگاه‌های دیگر نیز در تهیه آمار محدودیت ندارند ولی باید آمار خود را با مرکز آمار کشور مقایسه کنند.

خبر

ایران سهام یک بانک چندملیتی را خرید

● **مهر:** معاون وزیر امور اقتصاد و رئیس سازمان سرمایه‌گذاری خارجی ایران از خرید سهام یک بانک آسیایی توسط ایران خبر داد و گفت: خرید ۲.۸ درصد از سهم یک بانک چندملیتی نهایی شد. محمد خزاعی گفت: ایران در راستای اثرگذاری در برخی سازمان‌های منطقه‌ای، اقدام به خرید سهام برخی بانک‌های چندملیتی کرده است که از سوی کشورهایی مانند چین و روسیه راه‌اندازی شده‌اند. براین‌اساس، خرید ۲.۸ درصد از سهام بانک زیرساخت آسیایی که به‌تازگی از سوی چین راه‌اندازی شده و کشورهای متعددی در آن سهام‌دار هستند، نهایی شده است. معاون وزیر امور اقتصادی و دارایی افزود: ایران همچنین قصد دارد سهام بانک بریکس را هم که روسیه، چین، هند، برزیل و برخی کشورهای دیگر در آن سهام دارند، خریداری کند، اما هنوز میزان دقیق آن مشخص نیست و نیاز به مذاکره دارد.

مدیرعامل اسبق بانک صادرات در گفت‌وگو با «شرق»:

احمدی‌نژاد فروش املاک تملیکی بانک‌ها را مشکل کرد

شرق: از ۲۰ سال پیش تاکنون هر چقدر ترازنامه بانک‌های ایرانی را ورق می‌زنند، بازهم آنها را قابل اعتماد و اتکا نمی‌بینند. اگرچه بانکی‌ها صبح تا شب با همه‌جور دارایی مسموم در درون خود کلنجار می‌روند، اما با وجود این، بازهم نتوانستند ترازنامه شسته‌رفته‌ای عرضه کنند. احمد حاتمی‌یزد، مدیرعامل اسبق بانک صادرات ایران، ماندگاری بخشی از دارایی‌های سمی را یادگار دوران احمدی‌نژاد می‌داند بااین‌حال، معتقد است همه در وضعیت بلبشوی فعلی نظام بانکی شریکند و تا تمیزی بانک‌ها در ایران فاصله بسیار داریم و داستان ترازنامه بانک‌ها همچنان ادامه دارد... .

آقای حاتمی، هم‌اکنون کار به جایی رسیده است که همگان خواهان ترازنامه شسته‌رفته از نظام بانکی کشور هستند. دراین‌میان دارایی‌های سمی مورد توجه قرار گرفته است و بر این مسئله تأکید شده که باید این دارایی‌های سمی خیلی زود از پیکره نظام بانکی خارج شود تا بانک‌ها تمیز و ترازنامه‌ها نیز از شفافیت مالی لازم برخوردار شوند. ابتدا می‌خواهم ضمن اشاره‌ای کوتاه به دارایی‌های سمی در نظام بانکی، به این پرسش پاسخ دهید انباشت این حجم از دارایی‌های سمی در نظام بانکی متوجه چه کسی است و مقصر این ایراد بزرگ کیست؟

این سؤال شما موجب شد من به خاطره‌ای از زمان ریاست مرحوم دکتر نوربخش بر بانک مرکزی رجوع کنم. در آن زمان رئیس کل بانک مرکزی انگلیس به ایران آمده و در جلسه با دکتر نوربخش عنوان کرده بود درباره دارایی‌ها و بدهی‌های شعب بانک‌های ایرانی در لندن نمی‌توان قضاوت درستی داشت چون شعب بانک‌های ایرانی در لندن شخصیت حقوقی مستقلی ندارند و در صورت آنکه حساب‌های شرکت مادر به‌درستی حسابرسی نشده باشد و حسابرسی قابل اعتمادی نداشته باشد، به حساب‌های شعب بانک‌های ایرانی در لندن هم نمی‌توان اتکا کرد. از آنجایی‌که بانک‌های ایران در لندن مانند ملی و صادرات، شخصیت حقوقی مستقل نداشتند و حسابرس ایرانی آنها هم دولتی است، ایراد وارد کرده و گفته بودند نمی‌دانیم بااین‌اوصاف، این حسابرسی‌ها طبق ضوابط و استانداردهای بین‌المللی است یا خیر. به عبارت دیگر، از نظر آنها حسابرس مستقل نیست، چون بانک و حسابرس هر دو متعلق به دولت هستند و بنابراین اگر منافع دولت ایجاب می‌کند برخی مسائل ترازنامه نادیده گرفته شود، قطعا آنها نادیده گرفته خواهند شد درصورتی‌که حسابرس باید استقلال رأی داشته باشد که بتواند نظر مستقلی از بانک بدهد. پس مشکل اصلی بانک مرکزی انگلیس با ترازنامه بانک‌های ما هم همین نکته‌ای بود که هم‌اکنون شما به آن اشاره دارید که درواقع معلوم نیست چه مقدار از مطالبات معوق نوشته‌شده در ترازنامه بانک‌ها قابل وصول است، چون ارزیابی درستی از مطالبات معوق و ارزش دارایی‌های بانک‌ها در دست نیست تا بانک‌های خارجی بتوانند به چنین ترازنامه‌ای اعتماد کنند. حالا داستان ترازنامه بانک‌ها ۲۰ سال است که همچنان ادامه دارد. در آن زمان هم بانک مرکزی انگلیس با استدلال‌های طرف ایرانی قانع نشد و تنها راه اجازه فعالیت بانک‌های ایرانی در لندن این شد که به‌عنوان شخصیت حقوقی جدید در انگلیس به ثبت برسند و چهار بانک ملی پی‌ال‌سی، بانک صادرات پی‌ال‌سی، بانک سپه و پرشیابانک پی‌ال‌سی با سرمایه‌ای که از تهران به آنها داده شده بود، تأسیس شد و طبق آن مقررات، شروع به فعالیت کردند و مدیریت و ترازنامه شان مستقل است و حسابرسی انگلیسی هم دارند و ترازنامه و دارایی‌های بانک به‌طور واقعی و به شکلی که بانکداری جهانی پذیراست، تعیین می‌شود. اگر سرمایه بانک کافی نباشد و افزایش سرمایه لازم باشد، بانک مرکزی انگلیس نظارت دارد و بانک را مجبور به تأمین کفایت سرمایه می‌کند و درصورتی‌که ضوابط توسط بانک ایرانی ثبت‌شده در لندن رعایت نشود، آنها این اختیار را دارند که مدیر بانک را عوض و مدیر خودشان را منصوب کنند. چنان‌که این کار را درباره بانک سپه انجام دادند چون در یک مقطعی متوجه شدند بانک سپه ضوابط را رعایت نمی‌کند درنتیجه از طرف بانک مرکزی انگلیس برای بانک مدیر تعیین کردند که حقوق آن مدیر را هم باید ایرانی‌ها می‌پرداختند اما بانک از بانک مرکزی انگلیس دستور می‌گرفت که چگونه بانک را اداره کند. اما این حرف‌ها در اینجا رعایت نمی‌شود چون همه با هم رودربایستی دارند. مدیران بانک‌های ما خیلی دقیق و مقید نیستند و بیشتر به سیاست‌هایی رو می‌آورند که دوام و بقای آنها را در پست مدیرعاملی بانک تضمین کند. به‌ویژه در دوره احمدی‌نژاد مدیران بانک‌های تجاری و بانک مرکزی مطیع دستور بودند حتی اگر آن دستورات منافع بانک را تضمین نمی‌کرد. نمونه آن هم ماجرای فساد سه‌هزارمیلیاردی است که در بانک ملی و صادرات اتفاق افتاد. آن فساد به این دلیل رخ داد که مدیران بانک می‌خواستند دستورات مافوق را رعایت کنند وگرنه من معتقد نیستم آقای جهرمی خودش آدم فاسدی بوده است. اشکال آقای جهرمی در ایجاد این فساد بزرگ این بوده است که می‌خواست دستور مافوق را اجرا کند؛ همین‌طور دیگر مدیران بانک‌ها. حالا هم مطالبات معوق بانک یا آنچه در نظام بانکداری بین‌المللی به آن می‌گویند «NPL وام‌هایی که اقساط آن به‌موقع پرداخت نمی‌شود»، به‌درستی در نظام بانکی ما شناسایی نشده‌اند حتی قواعد درستی هم در این‌باره به معنای واقعی وجود ندارد. برای مثال در ایران به آن دسته از اقساطی که بیش از شش ماه عقب افتاده، مطالبات معوق می‌گویند درحالی‌که در نظام بانکداری پیشرفته اگر وامی شش قسطش عقب افتاده باشد، تمام آن وام به‌عنوان مطالبه معوق تلقی می‌شود نه‌فقط اقساط عقب‌افتاده آن.

پس تفاوت فاحشی بین تعریف مطالبات معوق در ایران و خارج از کشور وجود دارد؟

بله. تفاوت عمده‌ای وجود دارد به این صورت که اگر فردی صدمیلیارد تومان بدهی با قسط یک‌میلیاردی داشته باشد و شش قسط آن یا شش ماه از قسط آن عقب افتاده باشد، در نظام ایران شش‌میلیارد تومان مطالبه معوق نشان داده می‌شود اما در سیستم بانکداری پیشرفته، تمام آن صدمیلیارد تومان معوق است چون دیگر معلوم نیست مابقی آن وام هم پرداخت شود. پس وقتی اقساط عقب افتاد باید سریعا دین حال شده و روی وثایق اقدام شود و چنانچه آن وثایق قابل نقدکردن نباشد، بانک باید برای آن بدهی ذخیره بگیرد. اگر ذخیره هم بگیرد، ممکن است سرمایه بانک کاهش پیدا کند و با کاهش سرمایه، بانک دیگر نمی‌تواند عملیات بانکی به همان میزان داشته باشد. چون هرگونه تسهیلاتی که بانک ارائه می‌کند، متناسب با نسبت‌های خاصی است که سرمایه بانک پایه اصلی آن است. به‌عنوان مثال می‌گویند که به هیچ مشتری عمده‌ای نمی‌توانید بیش از ۲۰ درصد سرمایه بانک (البته سرمایه به معنای تکنیکی نه به معنای سرمایه ثبت شرکت‌ها) تسهیلات دهید، حالا اگر سرمایه بانک در اثر ذخایری که می‌گیرند، کاهش پیدا کند، طبعا دیگر نمی‌تواند به مشتریان بزرگ مثل سابق وام بدهد چون حجم کل تسهیلات محدود می‌شود. حالا هم من نمی‌توانم بگویم که مقصر وضع موجود کیست. چون کل سیستم ما اعم از شورای پول و اعتبار، سازمان حسابرسی، دولت و بانک‌های ما همه در وضعیت بلبشوی فعلی نقش دارند و سهمی از تقصیرات متوجه آنهاست. وقتی دولت بدهی‌های خود را به بانک نمی‌دهد و بدهی دولت به بانک‌ها معوق شده، دیگر نمی‌توان گفت که فقط بخش خصوصی مقصر است یا مدیران بانک‌ها مقصر هستند. همه با هم شریک‌اند و همه با هم در ایجاد وضعیت نابسامان فعلی سهم دارند. مطالبات معوق بزرگ‌ترین مشکل سیستم بانکی ماست و تا این مشکل حل نشود، بانک‌های ما اعتماد لازم را برای سرمایه‌گذار خارجی کسب نمی‌کنند. سرمایه‌گذار خارجی به دنبال جایی است که کمترین ریسک و بیشترین درآمد در آنجا باشد. در مقایسه ریسک و درآمد بی‌خطرترین نوع سرمایه‌گذاری در ایران سپرده‌گذاری بانکی است. یعنی اگر پول‌تان را به‌جای خرید سهام از بورس، در بانک سپرده‌گذاری کنید، کمترین خطر متوجه سپرده شماست، اما با وجود این هیچ بانک خارجی حاضر نیست که سپرده خود را در بانک ایران بگذارد.

ادامه در صفحه ۱۵

نکته

وقتی دولت بدهی‌های خود را به بانک نمی‌دهد و بدهی دولت به بانک‌ها معوق شده، دیگر نمی‌توان گفت که فقط بخش خصوصی مقصر است یا مدیران بانک‌ها مقصر هستند

ادامه از صفحه ۴

اصلاحات اقتصادی در صدر سیاست‌ها قرار بگیرد

محمدهاشم پسران
نامزد نوبل اقتصادی ۲۰۱۳

با توجه به اینکه اقتصاد ایران در شرایط سختی به سر می‌برد و قیمت نفت در آینده کوتاه‌مدت بین ۴۵ تا ۵۰ دلار باقی می‌ماند، حتی اگر میزان صادرات ایران هم افزایش یابد، درآمد نفتی به میزان گذشته نخواهد بود و دولت و مردم ایران باید خود را با درآمد نفتی پایین‌تر تطبیق دهند. با توجه به اینکه تحریم‌ها در دو تا سه ماه آینده برداشته می‌شود، انتظارات زیادی هم در داخل و هم در خارج از کشور از دولتمردان به وجود آمده است. اقتصاد ایران متأثر از عوامل عمده‌ای است که به‌سادگی نمی‌توان برای آن راهکار ارائه داد. البته حرف من به این معنا نیست که راه‌حل وجود ندارد، به این معنی است که راه‌حل‌ها در بلندمدت جواب می‌دهند. نوسانات قیمت نفت، صادرات نفت و صادرات پتروشیمی و فراورده‌ها نیز همواره نقش مهمی در عملکرد اقتصاد ایران داشته است. عامل مهم دیگری که در وضعیت اقتصاد ایران نقش مهمی ایفا کرده و می‌کند، تحریم‌های اقتصادی است که سبب کاهش کارایی اقتصاد ایران شده است. با برداشته‌شدن تحریم‌ها، ضرورت تعدیل و اصلاح اقتصاد ایران بیش‌ازپیش خود را نشان می‌دهد. با توجه به اینکه با کاهش رشد تولید ناخالص داخلی در سال‌های گذشته و ثبت ارقام منفی رشد اقتصادی مواجه بودیم، کاهش سرمایه‌گذاری در این دوره، ارقام درخورتوجهی و بین ۱۲ تا ۱۵ درصد است. به این سبب هم در بخش دولتی و هم در بخش خصوصی با کاهش سرمایه‌گذاری مواجه بوده‌ایم؛ درحالی‌که در همین دوره، مصرف حداکثر حدود ۱.۵ درصد کاهش یافته است. این روند یعنی اگر ما امروز نتوانیم سرمایه‌گذاری درخور توجهی انجام دهیم، ظرفیت تولیدی‌ای نخواهیم داشت که بتوانیم در دوران پساتحریم از منافع تجارت با دیگر کشورها برخوردار شویم و نخواهیم توانست صادرات غیرنفتی را توسعه دهیم. هم‌اکنون رقابت بسیار سختی در حوزه صادرات بین مناطق و کشورهای مختلف وجود دارد و اگر نتوانیم اقتصاد را کارا کنیم و تعادل ازدست‌رفته را به اقتصاد ایران بازگردانیم، نمی‌توانیم در این رقابت دوام بیاوریم، اما دراین‌میان کاهش نرخ تورم که زمان روی‌کارآمدن دولت روحانی حدود ۴۵ درصد بود و درحال‌حاضر به حدود ۱۳ درصد رسیده است رویداد بسیار مثبتی است، اما کاهش تورم سریع رخ داد و دولت چنین سرعتی را پیش‌بینی نکرده بود؛ به همین دلیل نرخ سود در بانک‌ها بیش از نرخ تورم است. باید در نظر داشت اگر سود مساوی یا کمتر از نرخ تورم باشد، در سرمایه‌گذاری اثری ندارد، اما در شرایط کنونی که نرخ سودها بیش از نرخ تورم است، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی ضربه می‌خورد. از سویی دولت قصد دارد برای انتشار چهار تا پنج میلیون دلار اوراق قرضه دولتی اقدام کند. اگر دولت نرخ بهره این اوراق را نیز برای تشویق مردم به خرید بالا ببرد، ممکن است بانک‌های خصوصی نیز نرخ سود خود را در سطوح بالایی نگه دارند که اجازه نمی‌دهد منابع مالی بانک‌ها به سمت اوراق قرضه سرازیر شود. در نتیجه اختلاف میان نرخ اسمی سود در بازار با نرخ تورم، منجر به افزایش نرخ بهره واقعی خواهد شد. افزایش نرخ بهره واقعی به کاهش سرمایه‌گذاری می‌انجامد؛ ازاین‌رو بسیار حائز اهمیت است که سیاست‌های پولی و مالی که قرار است اجرا شود، نرخ بهره واقعی را افزایش ندهد. از طرفی قیمت نفت تقریبا پیش‌بینی‌ناپذیر است، بنابراین نمی‌توان این گزاره را مطرح کرد که درآمد نفتی ایران به درآمد پیش از اعمال تحریم‌ها بازمی‌گردد. حتی اگر میزان صادرات ایران افزایش یابد، درآمد نفتی به میزان گذشته نخواهد بود و دولت و مردم ایران باید خود را با درآمد نفتی پایین‌تر تطبیق دهند؛ صرفا باید امیدوار بود که میزان سرمایه‌گذاری‌ها، به‌ویژه در زمینه صادرات غیرنفتی و از سوی بخش خصوصی افزایش یابد. مشکل دیگری که اقتصاد ایران با آن مواجه است، منابع مالی عظیمی است که ایران در خارج از کشور دارد و ممکن است رقم آن تا ۵۰ میلیارد دلار نیز برسد. اگر این منابع به‌تدریج وارد اقتصاد کشور شود، تزریق آن اصلاحات اقتصادی را به تأخیر می‌اندازد. این اتفاق ممکن است مشکلاتی را برای اقتصاد ایران به بار آورد، بنابراین اصلاحات اقتصادی باید در صدر سیاست‌های دولت ایران قرار بگیرد؛ نباید این‌گونه تصور کرد و باور داشت که اگر تحریم‌ها برداشته شود، اقتصاد ایران خود را با نظام اقتصادی جهان تطبیق خواهد داد؛ درحالی‌که باید تلاش‌های بیشتری در این زمینه صورت بگیرد. با این بهانه که قرار است گشایش‌هایی در زمینه برداشته‌شدن تحریم‌ها و درآمدهای ارزی صورت بگیرد، نباید اصلاحات اساسی اقتصادی در ایران را به تعویق انداخت. یکی از مواردی که باید در اولویت اصلاح قرار بگیرد، حامل‌های انرژی است؛ امروز و درحالی‌که بهای نفت خام در بازارهای جهانی در پایین‌ترین میزان خود در سال‌های اخیر قرار گرفته است، بهترین زمان برای اصلاح نرخ حامل‌های انرژی، به‌ویژه بنزین است.

گذر

وزیر نفت:

برزیل خواهان خرید ال‌ان‌جی از ایران است

● **ایلنا:** بیژن زنگنه با اشاره به علاقه‌مندی برزیل برای خرید گاز طبیعی مایع‌شده (ال‌ان‌جی) از ایران، گفت: برای پیگیری مذاکرات دراین‌باره قرار شد کارگروه مشترکی میان وزارت نفت ایران و وزارت انرژی و معادن برزیل ایجاد شود. زنگنه افزود: برزیل در زمینه حفاری و تولید نفت در آب‌های عمیق تجربه‌های مطلوبی دارد، ازاین‌رو با توجه به نیازی که ما به این تجارب در آب‌های عمیق دریای خزر داریم، می‌توانیم در این زمینه همکاری داشته باشیم.

پیشنهاد افزایش ۲۰ درصدی قیمت گازوئیل به دولت

● **فارس:** محسن پورسیدآقایی، مدیرعامل راه‌آهن با اشاره به کم‌کاری وزارت نفت در اختصاص ۲۰ درصد درآمد حاصل از فروش گازوئیل به توسعه ریلی، گفت: به‌تازگی به دولت پیشنهاد داده‌ایم نرخ گازوئیل ۲۰ درصد افزایش یابد و از محل آن، اعتبار توسعه ریلی و نگهداری جاده‌ها تأمین شود.

بدهی ۱۰۰۰ میلیارد تومانی ایرلاین‌ها به وزارت نفت

● **ایلنا:** مدیرعامل شرکت ملی پخش فراورده‌های نفتی گفت: درحال‌حاضر ایرلاین‌ها هزار میلیارد تومان به وزارت نفت بدهکارند که بعضی از آنها همکاری می‌کنند. ما جلسات متعددی داشته‌ایم و به مراجع مختلف نیز شکایت کرده‌ایم که برخی از آنها مدعی شده‌اند که از دولت طلبکارند؛ بنابراین چالش بدهی‌های ایرلاین‌ها همچنان باقی است و ما نیز راه‌های مختلفی را طی می‌کنیم تا بتوانیم پول دولت را وصول کنیم. سیدناصر سجادی با اشاره به اینکه ما در آستانه فصل سرد و تأمین ویژه سوخت و انرژی مورد نیاز مردم قرار داریم، گفت: امسال با توجه به اظهاراتی مبنی بر وقوع پدیده ال‌نینو، همانند سال ۸۶ که زمستان سختی داشتیم، خودمان را آماده کردیم.